

فرهنگ طبقاتی

در عهد ساسانیان

در ایران ساسانی، تحصیل علم و دانش در انحصار مؤبدزادگان و نجیب زادگان بوده و اکثریت فزونیك به اتفاق فرزندان ایران از این حق محروم بودند!

مراکز تعلیم و تربیت

اگر بخواهیم از مدارس و مراکز تعلیم و تربیت ایرانیان عهد ساسانی سخن بگوئیم. باید در مرحله اول آتشکده‌ها و کلیساها را مورد توجه قرار بدهیم؛ زیرا تعلیم و تربیت ایرانیان مدتها منحصر به اینگونه مراکز و مجامع دینی بود. زردشتیان، مسیحیان، مانویان، مزدکیان و زروانیان عهد ساسانی باروشها و طریقه‌های خاصی، در مجامع و محافل دینی سرگرم علوم عقلی و حکمی و کلامی می‌شدند علاوه بر آتشکده‌ها و کلیساها، مراکز علمی و فرهنگی بزرگی



بیزا قیبل حوزه ریشهرودانشگاه معروف جندی شاپور

بوجود آمده بود.

مورخان دوره اسلامی راجع به اهمیت این حوزه‌ها

در کتابهای خود مطالبی بیان داشته‌اند: «یاقوت»

در کتاب «معجم البلدان» می‌نویسد: «در همین

دوره در ناحیه «ارجان» گروهی از نویسندگان ایرانی

بنام «گشته دفران» گرد آمده بودند و کار آنها این

بود که با خطی بنام گشتج (= گشتک) کتابهایی در

طب و فلسفه و نجوم و علوم غریبه تدوین می‌کردند» (۱)

همچنین جندی شاپور در دوره ساسانیان شهرت جهانی

(۱) معجم البلدان یا قوت حموی: واژه ارجان

«ازمختصات ایرانیان یکی این است که به علم طب اهمیت بسیاری میدهند و دیگر آنکه به احکام نجوم و تأثیر آنها در این عالم اعتقاد کاملی دارند، ایرانیان از زمان باستان رصد خانه‌هایی داشتند و در حرکات کواکب دارای آراء و مذاهب خاصی بودند» (۴) همچنین مورخ اسلامی «بیرونی» در کتاب «الانوار الباقیه» آورده است:

«عقیده به سعد و نحس ایام و تأثیر کواکب در جهان و سرنوشت، از قدیم الایام در ایران باستان شایع بوده است پادشاهان ساسانی، منجمان و ستاره شناسان را دور خود جمع کرده و در تمام کارهای خود با آنها مشورت می‌کردند، منجمان هم از وضع کواکب و طرز حرکات آنها احکامی استخراج کرده و پیشگوئی‌هایی می‌کردند» (۵)

ایرانیان به فلسفه و علوم عقلی نیز اهمیت میدادند، بدین جهت بعضیها علوم عقلی و فلسفی را زائیده ایران دانسته‌اند «ابن خلدون» دانشمند معروف می‌نویسد: «اهمیت این علم (فلسفه) نزد ایرانیان به اندازه‌ای بود که بعضی گفته‌اند علوم عقلی اصلاً در ایران پیدایش یافته و اسکندر آنرا به یونان برده است» (۶)

همچنین ایرانیان به علم اخلاق نیز علاقه مند بودند و کتابهای بسیاری در این قسمت به نامهای اندرزنامه

داشت، دانشمندان سریانی زبان و علمای هندی و زردشتی در آنجا مشغول کار بودند، توجه این علما بیشتر به علم طب بود.

«القفطی» در کتاب خود می‌نویسد: «قوانین علاج، نزد اطباء جندی‌شاپور بر روش یونانیان و هندوان برتری داشت. زیرا ایشان فضائل هر قوم را گرفتند و بر آنچه قبلاً بدست آمده بود، چیزی افزودند و دستورها و قوانینی برای آن ترتیب دادند و کسبی حاوی مطالب تازه پدید آوردند.» (۲)

دانشجویان برای فرا گرفتن علم طب حتی از کشورهای همسایه به آنجا روی می‌آوردند و در تاریخ علم طب می‌بینیم بسیاری از پزشکان و استادان معروف در همان دانشگاه تحصیل کرده‌اند. غیر از مسیحیان سریانی و ایرانیان زردشتی، نام دو نفر از عربهای معاصر پیغمبر اکرم (ص) هم ذکر شده است. بطوری که «ابن ابی اصیبه» می‌نویسد: «حارث بن کلدۀ ثقفی طبیب معروف عرب و «نضر بن حارث» در دوران جاهلیت به جندی‌شاپور آمده و در آنجا پزشکی آموخته‌اند.» (۳)

ایرانیان به بعضی از رشته‌های علم از قبیل: طب، نجوم، هیئت، فلسفه و اخلاق اهمیت زیادی قائل بودند.

«ابن ساعد» در کتاب «طبقات الامم» نوشته است:

(۲) اخبار الحکماء: القفطی

(۳) عیون الانباء فی طبقات الاطباء از صفحه ۱۶۱ تا صفحه ۱۷۰ طبع بیروت

(۴) طبقات الامم / ابن ساعد / ص ۲۴ و ص ۲۵

(۵) الانوار الباقیه / بیرونی / ص ۲۳۰

(۶) مقدمه ابن خلدون / ۴۷۹

یا پند نامه، تألیف شده و این نشانه اینست که در این عصر به این نوع از ادبیات علاقه زیادی داشتند. در کتابهای اخلاقی ایرانی هم مطالب بسیاری از حکمای یونان مانند: ارسطو، افلاطون، فیثاغورس و سقراط و نظائر اینها دیده می شود.

«ابن ندیم» در کتاب با ارزش خود زیر عنوان: «کتابهاییکه در پند و ادب و حکمت در فارسی و یونانی و هندی و عربی تألیف یافته» فهرست کتابهایی را که از زبانهای مختلف به عربی آورده شده، ذکر می کند و در این فهرست حدود چهل و چهار کتاب را نام برده که قسمت عمده آنها ترجمه یا اقتباس از آثار پهلوی است. (۷)

و همچنین مورخ معروف «مسعودی» در کتاب «مروج الذهب» تاریخ ایران را بطور اختصار آورده است و سپس اطلاعات بیشتری را درباره (اخبار و سیرو و صایا و عهود و مکاتبات و خطبه ها) به کتابهای دیگرش که متأسفانه فعلاً در دست نیست، حواله می کند. (۸)

این بود مختصری در طرز تعلیم و تربیت و علم و فرهنگ ایران عهد ساسانی. اکنون معایب فرهنگ آن عهد را بررسی می کنیم:

* * *

آموزش و پرورش حق انحصاری اشراف!

بزرگترین عیب دستگاه فرهنگ ایران باستان، این بود که: تنها اطفال توانگران و اشراف حق

تحصیل علم داشتند و به اصطلاح تعلیم و تربیت همگانی وجود نداشت. و توده مردم از این حق حیاتی محروم بودند!

این عیب بزرگ در فرهنگ ساسانی، بقدری واضح و روشن است که حتی خدا بنامه پردازان و شاهنامه نویسان، با اینکه بنای آنها بر حماسه سرایی است، نیز بآن تصریح کرده اند.

«فردوسی» حماسه سرای معروف ایران در «شاهنامه» داستانی آورده، این داستان در زمانی اتفاق افتاده، که امپراطوری ساسانی، دوزان طلائی خود رامی- گذرانده است و این داستان نشان میدهد که در این دوره نیز اکثریت قریب به اتفاق مردم، حق تحصیل نداشتند. و حتی انوشیروان دانش دوست و او با اصطلاح عادل، هم حاضر نبود به طبقات دیگر مردم، حق تحصیل بدهد فردوسی در داستان معروف خود می گوید: کفشگری حاضر شد برای مصارف جنگ ایران و روم گنج سیم و زر نشان کند با اینکه در آن زمان دولت بکمک مالی احتیاج بسیاری داشت، زیرا حدود سیصد هزار سپاهی ایران دچار کمبود غذا و اسلحه بودند، انوشیروان از این وضع، پریشان خاطر شده و بر پایان کار خویش، بیمناک گردیده بود.

«بزرگمهر» را فرا می خواند و به او دستور می- دهد که به سوی مازندران رود و مصارف جنگ را فراهم آورد ولی «بزرگمهر» با آورمی شود که خطر نزدیک است باید فوری چاره کرد، آنگاه بزرگمهر قرضه ملی پیشنهاد میکند وی پیشنهاد او را می پسندد،

(۷) فهرست ابن ندیم به صفحات (: ۳۱۵-۳۱۶-۳۳۷-۳۴۱-۳۴۲) مراجعه شود.

(۸) مروج الذهب/ مسعودی/ ج ۲ از صفحه ۲۲۰ تا ۲۸۴

دستور میدهد فوری اقدام شود بزرگمهر مأمورانی به اطراف میفرستد و جریان را با توانگران آن محل در میان میگذارد.

کفشگری حاضر می شود قسمتی از نیاز مالی لشکر را برآورد. لیکن در برابر این ایثار، به یگانه پسرش که مشتاق و مستعد تحصیل است، اجازه تحصیل داده شود، بزرگمهر وقتی گزارش آن را به انوشیروان می رساند انوشیروان خشمگین می شود و می گوید: این چه تقاضایی است که تومی کنی؟!

سپس فردوسی از زبان انوشیروان به تشریح «فلسفه ماکیاولی» اومی پردازد:

چو با زارگان بچه ، گردد دیر

هنرمند وبا دانش و یادگیر

چو روزندما بر نشیند، به تخت

دبیری بیایدش ، پیروز بخت...

بدین ترتیب از قبول سیم و زر خودداری می کند،

کفشگر بیچاره افسرده خاطر می گردد و شبانه گاه دست نظلم و زاری که عادت مظلومان است از این همه ستمکاری، بردگانه داور بی پناهان بلند می کند و زنگ عدل الهی را به صدا درمی آورد (۹)

همچنین مؤلف کتاب «تاریخ اجتماعی ایران»

می نویسد: «... در این دوره، تعلیم و تربیت و فرا-گرفتن علوم متداول، انحصار به مؤبد زادگان و نجیب-

زادگان داشته و اکثریت نزدیک به اتفاق فرزندان ایران، از آن محروم بوده اند» (۱۰)

آنچه مسلم است علوم و دانشهای عهد ساسانیان، در انحصار طبقات ممتاز جامعه بوده و جنبه عمومی و همگانی نداشته است. «کریستن سن» می نویسد: «عده ای از تجار شهرها لااقل قرائت و کتابت حساب را میدانستند ولی عامه مردم از حیث ادب و سواد بضاعتی نداشتند» (۱۱)

و این موضوع در جای خود مسلم است که اشراف و زادگان با داشتن ثروت و امکانات فراوان تحصیل فرزندان خود را در بهترین آموزشگاهها فراهم می کنند ولی معمولاً آنها درس خوان نمی شوند ولیکن اطفال طبقات پائین، بدون داشتن هیچگونه وسائل، معمولاً، خوب درس می خوانند و برقی آسا ترقی میکنند و تاریخ هم این مطلب را عملاً بمانشان میدهد و در زندگی روزمره خود و دوستان و آشنایان و یا در تاریخ ایران و سایر ملل جهان، فراوان می بینیم که اشخاص نابغه و دانشمندان نامی و بزرگان، نوعاً از طبقات پائین اجتماع هستند ولی بر عکس، بسیاری از فرزندان طبقه اشراف که بخیال خود نیازی به فعالیت ندارند، روزگار را براحتی می گذرانند و اشخاص عاطل و باطل از آب درمی آیند.

در ایران باستان که حق تحصیل ویژه طبقات ممتاز بوده و اکثریتی قریب به اتفاق از آن حق مسلم محروم بودند، بطور مسلم در آن اجتماع چه استعدادها و چه نیروها و سرمایه های بسیار مهم ضایع می گردید و اگر برنامه صحیح فرهنگی بود، و از استعداد های سرشار

(۹) شاهنامه ج ۶ صفحه ۲۵۷

(۱۰) تاریخ اجتماعی ایران / سعید نفیسی / ج ۱۲ / ص ۲۶

(۱۱) ایران در زمان ساسانیان / بنقل تاریخ اجتماعی ایران / مرتضی راوندی / جلد اول ص ۷۱۲

ملت درست بهره برداری میشد در آن صورت فرهنگ ایران ساسانی چقدر نیرومند می گردید ولی متأسفانه این سنت جاهلی بقدری دست و پای آنان را بسته بود که بهیچ عنوان نمی توانستند از یربار آن شانه خالی کنند و بخاطر تأمین هوسهای خام و نابجای این اقلیت نازپرورده، توده مردم ایران از حق تحصیل علم و سایر حقوق اجتماعی محروم بودند.

مقایسه حقوق اسلامی و حقوق ساسانی

«پیر کفشگر» در داستان فردوسی، نماینده و سبیل «قدرت ملی» است، بعنوان نماینده از تمام توده های محروم ایران، حاضر شده از خود و از دیگران ثروت هنگفتی در آن شرایط خاص، بلاعوض در اختیار دولت قرار بدهد تا بتواند این سنت جاهلی را که رژیم ساسانی برای حفظ خود آن را بوجود آورده بود، درهم بشکند و آموزش و پرورش را از انحصار در آورد، ولی با مخالفت سخت دولت روبرو می شود. نوشیروان با نهادن دست رد بر سینه «پیر-کفشگر» در واقع دست رد به سینه ی ملت ایران نهاده.

در حالیکه در آن لحظات بحرانی به پشتیبانی کامل ملت احتیاج داشت. طولی نمی کشد توده های محروم ولی مشتاق و اعتلاجوی ایران از دور نغمه آسمانی مرد بزرگی را می شنوند که مبشر انصاف، عدالت، برادری و برابری است و در تعالیم حیات بخش او تمام امتیازات طبقاتی لغو شده است و او تحصیل علم را برای هر مرد و زن، از هر تیره و خاندان آنهم نه ممکن شمرده، بلکه آن را «فریضه» و واجب میدانند. (۱۲)

کفشگری که حاضر شده بوده خود گرسنه بماند و تمام ثروتش را بعنوان رشوه بدولت بدهد تا به حق طبیعی و انسانی خود برسد، آیا ممکن است، در مقابل ندای روح افرا و تسلی بخش احمدی که توده ها را به عدالت اجتماعی نوید میدهد، مقاومت کند؟! و در پیذ برفتن تعالی عالیه اسلام در نك روا دارد؟! این بود که ملت ایران در لبیک گفتن به این دعوت هیچ تو درید نکرد.

برتری دانش

امام موسی بن جعفر (ع) می فرماید :

فَضْلُ الْفَقِيهِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ

: برتری «عالم» از «عابد» همانند برتری خورشید است نسبت

به ستارگان .

تحف العقول صفحه ۳۰۷

(۱۲) اشاره بحديث معروف نبوی که فرموده : «طلب العلم فريضة على كل مسلم الا ان الله يحب بذاة

العلم» (تحصيل علم بر هر فرد مسلمان واجب است خداوند دانشجو یان را دوست میدارد) / اصول کافی / ج ۱ ص ۳۰